



۲۰۲۱ / ۵ / ۱

کانديد اکادميسين سيستاني

## هدف شاه امان الله از سفر به کشورهای اروپایی چی بود؟

معرفی بیشتر افغانستان، تحکیم روابط دوستی، جستجوی راه ترقی کشور، توريد فابریکه های جدید و بستن قرارداد استخراج معادن لاجورد و آهن و زغال سنگ و نفت و گاز و کشیدن خط آهن از چمن تا سرحد هرات و کابل بود، نه عیاشی بگفته ناشناس!!!



برای دریافت دقیق هدف سفر شاه به ۱۲ کشور اروپایی و آسیایی، بهترین منبع سفرنامه شاه امان الله است، زیرا تا امروز هیچ شاه و امیریا رئیس جمهوری در افغانستان حاضر نشده است تا از سفر خود و دست آوردهای آن برای مردم کشور حساب بدهد. و این اعلحضرت شاه امان الله بود که از سفرش بقلم خود برای مردم و مامورین و کارمندان دولت و وکلای لویه جرگه گزارش داده است. علاوه بر این سفرنامه مأخذ خوبی برای معرفت بانیات شاه و پرگرام های انکشافی دولت او بشمار میرود.

قبل از اینکه سفرنامه شاه امان الله را باز کنم، باید یادآور شوم که شاه پیش از سفرش به خارج، وزیرحریبه کشور محمدولی خان دروازی (بدخشی) را بحیث وکیل مقام سلطنت با تمام صلاحیت های شاهانه تعیین کردو به مجلس وزراء از تقریرایشان به حیث وکیل سلطنت وعزم ونیت سفر خود به کشورهای اروپایی گزارش داد و پس از تائید مجلس وزراء، هیئتی مرکب از ۳۱ نفر از رجال کاردان کشورانتخاب وآماده سفرطولانی شد.

یکی از کارهای معقول وتمدنانه شاه امان الله دراین سفر همراه ساختن ملکه ثریا، خانم با فهم وبادرایتش دراین سفر است. ملکه ثریا نیز دراین سفر ودرملاقات های رسمی با زنان اول دولت های میزبان، شایستگی ودرایت لازم یک ملکه افغان را از خود تبارز داد. او در مصاحبه با ژورنالیستان خارجی در باره نقش زنان در تاریخ ودرجامعه اسلامی اطلاعات کافی ارائه میکرد که توجه و تحسین خوانندگان مصاحبه خود را برمی انگیخت. ملکه ثریا اولین ملکه افغانستان است که درکنارشوهرش شاه امان الله در ۱۹۲۷ به خارج از کشورسفرکرد واز حقوق وآزادی زن

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دفاع مینمود. او زنی آگاه و صاحب مطالعه و برزبانهای عربی و فرانسه و ترکی و فارسی مسلط بود و طبعاً برخوردار از سطح عالی آداب معاشرت اجتماعی بود. بنابراین خورده گیری از یک چنین زنی با دانش و آگاه در قرن ۲۱ آنهم از سوی کسی که ادعای دانش و تحصیل دارد، چون ناشناس هذیان گویی بیش نیست.

هرگاه ملکه ثریا در این سفر با شاه همراه نمی بود و سفرشاه طولانی میشد، بدون تردید امروزحتماً به آن شاه اتهام عیاشی با خانمهای موطلانی اروپائی را میزدند و مردم خوش باور افغانستان هم به سادگی آنرا باور میکردند و برطبل تکفیر اوسخت ترمی کوبیدند.

**ملکه ثریا که یک زن روشنفکر و فاضل و در خانواده محمودطرزی، که پدر و پدرکلانش شاعر، نویسنده، هنرمند و دانشمند بودند، تولد و بزرگ شده بود، در رشد و انکشاف معارف مخصوصاً تعلیم و تحصیل زن افغان سعی بلیغ نمود.**

سفرملکه ثریا به معیت شاه امان الله به کشور های ایران، ترکیه، شوروی، انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا، مصر و هندوستان، علاقمندی ملکه و شاه امان الله را برای عمران و پیشرفت افغانستان بیشتر ساخت.



هنگام بازگشت از این سفر، ملکه ثریا در یک محفل زنان افغان سخنرانی کرد که غبار ازچشمیدید خویش مینویسد: "روزی که ملکه ثریا در یک اجتماع از پیشرفت زنان جهان و عقب ماندگی زنان افغانستان سخن زد، زنان با درد بگریستند و پنجاه نفر زن فی المجلس خودشان را در خدمت معارف و تاسیس اولین مدرسه زنانه گذاشتند. ملکه چنان متأثرو منفعول گردید که خودش وظیفه

مفتشی مکتب مستورات را برذمه گرفت"<sup>۱</sup> ملکه ثریا و شاه امان الله درکنار کمال اتاترک و خانمش

استعمارزخمی شده از سوی شاه آزادیخواه امان الله خان که منتظر فرصت بود، در غیاب شاه زمینه را مساعد دیده و علیه شاه و ملکه ثریا به تبلیغات زهرآگین پرداختند. آنها تصاویری دستکاری شده و جعلی (به اصطلاح امروز فوتوشاپ شده) از ملکه ثریا را در جامعه نشر کردند. با پخش اکاذیب و توزیع پول به یکتعداد عناصر ضدملی و ضدترقی، به کمک بعضی متنفذین به اصطلاح روحانی، زمینه تحریکات و شورش ها علیه پلان های ملی و ترقی خواهانه شاه امان الله را مساعد ساختند.

<sup>۱</sup> - غبار، افغانستان درمسیرتاریخ، جلداول، ص ۷۹۰

استعمار با توزیع پول و اسلحه، جاهلترین عناصر را علیه شاه تحول پسند تمویل و تسلیح نمود که این عوامل با درنظرداشت سطح پائین آگاهی جامعه زمینه سقوط دولت امانی را فراهم ساخت. متأسفانه امروز نیز حتی بعضی از تحصیل یافته ها، سنگ طرفداری آن ابزار و آله های ساخت دست استعمار و سپاهیان سیاهی را به سینه می کوبند. در سال ۱۹۲۹ میلادی استعمار توانست بواسطه عمال خویش شاه امان الله را که طرفدار خونریزی هیچ افغانی نبود، با خانواده اش مجبور به ترک وطن سازد.

هدف شاه را از این سفرمیتوان از این جملات او که در بازگشت به قندهار به مردم قندهار گفته بود، فهمید. شاه گفت: "من به اروپا جهت عیش و عشرت و خوش گذرانی نرفته بودم، بلکه رفتم تا راه ترقی و تعالی کشور را جسجو نمایم، من همه چیز را قربان ترقی و تعالی کشور میکنم. بهتری و بهبود کشورما بر بهتری و خوشی من و ملکه رجحان دارد و امید است که ترقی و پیشرفت را از قندهار شروع کنم."<sup>۲</sup>

نویسنده امریکائی خانم ریه تالی ستورات مینویسد که: امان الله خان درنظر داشت که با احداث خط آهن در افغانستان چمن را باکوشک در روسیه وصل کند و مسافرین و اموال را در ۱۴ روز از اروپا به کابل نقل دهد. در عین زمان خط آهن بین کابل و قندهار را نیز میخواست شروع کند، اما انگلیس ها که از اهمیت استراتژیکی این پروژه آگاه بودند و درک میکردند که با اكمال این پروژه پرابلم های اقتصادی و استراتژیکی شرق میانه حل خواهد شد، به اعمار این پروژه موافقه نکردند.<sup>۳</sup>

بقول لیون پولادا، امان الله تعدادی از فابریکات را در این سفر خریداری کرد تا احتیاجات داخلی را تا حدی کاهش دهد. برنامه استخراج معادن در سال ۱۹۲۸ پیشنهاد شد و قرار بود لاجورد توسط یک شرکت آلمانی استخراج شود و در ضمن معادن آهن افغانستان را سروی نماید. استخراج معادن ذغال و سنگ مرمر همچنان آغاز گردید. روسیه عهده دار استخراج نفت و گاز شد و برای آموزش دانشجویان افغان آموزش های ساحوی در باکو در نظر گرفته شد.<sup>۴</sup>

بدینگونه بملاحظه میرسد که شاه از سفرش به کشورهای اروپائی چیزهای زیادی را آموخته بود و آرزمند بود تا نمونه های از تمدن اروپائی را علاوه بر توریست فابریکات و صنایع ماشینی به کشور، با کشیدن خط آهن از چمن کویت و اتصال آن به کابل و کوشک هرات در انتقال تولیدات زراعتی به کشورهای اروپائی تحولی را در زندگانی مردم افغانستان رونما سازد و همچنان از طریق تحکیم روابط دوستی با کشورهای اروپائی راه های جدید ترقی و تعالی کشور را جستجو نماید. آنهایی که

<sup>۲</sup> - آتش در افغانستان، ص ۵۶-۵۷

<sup>۳</sup> - آتش در افغانستان، ص ۷۰-۷۱

<sup>۴</sup> - لیون بی پولادا، فصل ناتمام، روزنامه مدنیت، ۳۰ اسد ۱۳۹۸

سفر شاه و ملکه ثریا را به اروپا مسخره میکنند [مثل داکترناشناس]، یا ناآگاهند و یا آگاه اند و صرف بخاطر خوشنودی باداران جدید خویش میخواهند شاه را تخریب و دل دشمنان رژیم مترقی امانی را شاد بسازند. درحالی که شاه درایام غیابت خود یک کس دیگر از رجال کارفهم غیر پشتون (محمودلیخان بدخشی-بقول پوپلزانی ازبک بخارانی) را بحیث وکیل مقام سلطنت با عین صلاحیت و قدرت پادشاهی مقرر کرده بود و اگر در غیاب شاه در اداره کشور ضعف و کاستی ای رخ داده باشد که رخ داد و دزد مشهور کوهدامن حبیب الله کلکانی نه تنها از سوی انگلیس تحریک شد بلکه از جانب شخص محمودلیخان با اهدای تفنگی تشویق گردید، این ضعف و سستی به جانشین مقام سلطنت برمیگردد نه بشاه. شاه با اعتماد بر وکیل خود هزاران کیلومتر دور تر از کشور برای مفاد ملت خود مصروف چانه زدن خریداری فابریکات و ارسال آنها بکشور بود و حتی فرصت تداوی گلوی خود را نیز وقف خدمت به وطنش کرده بود.

شاه در سفرنامه خود نوشته میکند: «در زمانی که من به شفاخانه تحت علاج گلوی خود مانده بودم، رفقای سفر خود را بکارهای خریداری اشیاء و سامان مورد ضرورت مملکت خود مشغول نموده بودم تا در اثر چند روز مریضی من وقت آنها ضایع نگردد و شرط هم همین بود که اگر رفقای سفر من کارها را تعهد نمی کردند و به ذمت نمی گرفتند، من از جراحی گلوی خود با تکلیفی که داشتم، منصرف می شدم، زیرا که صحت گلوی من دردهای وطن عزیز مرا درمان نمیکرد و مقدمات کار را رفقای من تا هنگام صحت من طی کردند.»<sup>۵</sup>

ریه تالی استوارت، از قول شاه خطاب ب مردم قندهار مینویسد: «شرم آوراست که پوسته را در پشت نقل می دهیم، حتی یک مرکب نیست که پوسته را از یک محل به محل دیگر نقل دهد، وضع تلگراف شرم آوراست، شرم آوراست که مردم افغان از سبب گرمی و سردی در خانه نشسته و یک زن اروپائی در تمام شرایط شب و روز جان کنی دارد، زنان در اروپا برابر بامردان کار میکنند و از حقوق مساوی برخوردار هستند و در تمام شقوق اجتماعی، سیاسی، تجاری و اقتصادی فعال اند، درحالی که زنان افغان در کنج خانه عاطل و بیکاره به سر می برند، کار کنید و به خود حرکت دهید، امان الله کارها را برای تان انجام داده نمی تواند. تنها شما را رهنمائی میکند و باقی زحمت را شما بکشید و زندگی تان را سرو صورت دهید، پول بدست آورید و همه چیز را در وطن دارید، تنها به عزم و اراده و کارتان تعلق دارد، از این خواب گران بیدار شوید. اما ملاهای قندهار گفتند که شاه کافر شده و ما را هم کافر میسازد.»<sup>۶</sup>

جواهر لعل نهرو صدراعظم هند، در مورد سفر شاه امان الله به اروپا و نتایج آن مینویسد: «در

<sup>۵</sup> - پوپلزانی، سفرهای غازی امان الله شاه، چاپ پشاور، صفحات ۲۰۹ چاپ کابل، ص ۲۸۹

<sup>۶</sup> - آتش در افغانستان، ص ۶۵

اوایل سال ۱۹۲۸، امان الله و ملکه ثریا افغانستان را برای سفری طولانی در اروپا ترک گفتند. به بسیاری از پایتخت های اروپایی از جمله روم، پاریس، لندن، برلین، مسکو رفتند و در همه جا با استقبال گرم مواجه گشتند. همه این کشورها باکمال اشتیاق خواستند توجه و حسن نیت امان الله را برای منظورهای بازرگانی و سیاسی خود جلب کنند. در همه جا هدایای گرانبهایی به او تقدیم شد، اما او مانند یک سیاستمدار عالی نقش خود را بخوبی اجرا میکرد و در هیچ جا هیچ تعهدی بگردن نگرفت. در هنگام بازگشت از ترکیه و ایران نیز دیدن کرد. مسافرت طولانی امان الله توجه فراوانی را به او جلب کرد. اعتبار و حیثیتش زیادتیر شد و اهمیت افغانستان را هم در سراسر جهان بیشتر ساخت. اما در خود افغانستان وضع خیلی خوب نبود. امان الله کار خطرناکی کرده بود که در گرماگرم تغییراتی که در کشور شروع کرده بود و روش زندگی قدیمی را دگرگون میساخت، کشور خود را ترک گفت و به سفر رفت. مصطفی کمال هرگز چنین کار خطرناکی نکرد.<sup>۷</sup>

با توجه بنوشته جواهر لعل نهرو میتوان گفت که هرچند شاه امان الله در این سفر اعتبار زیادی برای افغانستان در میان کشورهای اروپایی کسب نمود، و با وجود استقبال گرم از او به هیچ کشوری تعهدی نسپرد که به ضرر منافع کشورش باشد، اما آنچه اشتباه امیز مینماید، انتخاب زمان سفرش بود که به نفع دشمنان درکمین نشسته اتمام شد. وکیل مقام سلطنت با وجودیکه دوست نزدیک و خویشاوند شاه بود (دخترشاه در عقد پسر محمدولیخان بود)، اما نتوانست یا نخواست شاه را متوجه خطرات دشمنان رژیم و شخص شاه نماید و سفر شاه را در آن موقع به تعویق اندازد. حتی گفته میشود او از خود برنامه ای بنام جمهوریت داشت که فکرمیکرد اگر امان الله خان سقوط کند، او بجای رژیم شاهی مشروطه امانی، جمهوریت را در کشور برقرار خواهد نمود، اما وقایع بعدی نشان داد که او هم در محاسبات خود اشتباه کرده است، زیرا کاندید انگلیس برای جانشینی امان الله خان، کسی دیگری بود و هرطور که استعمار انگلیس میخواست، همانطور میشد.

بقول پولاد، امان الله خان را می توان بدون شک آغازگر فصل نو و تجددخواهی در تاریخ افغانستان دانست. گام های را که او برداشت، در صورتی که عملی می شد، ساختارهای سیاسی و اجتماعی افغانستان را دگرگون ساخته، افغانستان را امروز در زمره ملت های با افتخار و متمدن منطقه قرار می داد.<sup>۸</sup>

پایان ۳۰ / ۴ / ۲۰۲۱

<sup>۷</sup> - جواهر لعل نهرو، نگاهی بتاریخ جهان، ج ۲، صص ۱۶۶۵-۱۶۶۶

<sup>۸</sup> - لیون بی پولاد، فصل ناتمام، روزنامه مدنیت، ۳۰ اسد ۱۳۹۸